



دانش آموز گام دومی

منتظر دوشنبه زنگ دوم بودیم. خانم مروت پور قرار بود درباره کارهایی صحبت کند که هفته پیش گفته بود. به ما گفته بود بروید و بگردید، اما بعضی هایمان زیاد حوصله اش را نداشتیم. چند نفر دنبالش رفته بودیم، اما خیلی متوجه نشده بودیم موضوع از چه قرار است. تا قبل از کلاس هفته پیش، کلاس چندان چالشی برگزار نمی شد. زنگ که می خورد، می آمدیم روی صندلی های تک نفره مان می نشستیم، یا به تخته خیره می شدیم و به فکر فرو می رفتیم، یا با هم حرف می زدیم تا خانم بیاید. در حین درس دادن او هم بیشتر شنونده بودیم و خیلی خودمان و معلم را اذیت نمی کردیم! اما از سوآلی که هفته قبل پرسیده بودیم، بحثی را پیش آورده بود. حس و حال جدیدی برای بچه ها رقم خورده بود و حداقل اسمی که می شد برایش گذاشت، کنجکاو بود. راستش این طرف و آن طرف حرف های مخالف آن حرف های خانم مروت پور زیاد به گوشمان خورده بود و حالا حداقل کنجکاو بودیم.

بچه ها! خانم دوقدمی در کلاس است!

برپا!

بفرمایید بنشینید.

خب درس مان به کجا رسیده بود؟

ماسست همه ریخت! خانم مروت پور یادش رفته بود قرار این هفته چه بوده!

زینب گفت: «خانم، هفته پیش درس ندادید. درباره انقلاب و مشکلات و این ها حرف زدیم و گفتید باید چند تا...»

خانم پرید وسط حرف های زینب و گفت: «آهان، حواسم نبود!»

خب، قرار شده بود شما هم بگردید، نتیجه؟

فرناز گفت: «خانم جان گشتیم، خواندیم، نفهمیدیم.»

خلاصه تر از این نمی شد شرح زحمات یک هفته ای بچه های کلاس را توضیح داد! خانم مروت پور ضمن عرض خسته نباشید به همه ما، گفت: «خب توضیح دادیم که انقلاب به خواست و حرکت مردم نیاز دارد؛ تک تک همه ما مردم، این وظیفه روی دوشمان است. گفتیم برای ادامه این مسیری که آمده ایم و در پیش داریم، طبیعی است باید بیشتر جوان ترها کارها را انجام دهند، چون داریم درباره آینده صحبت می کنیم و آینده را هم همین جوان ترهای جامعه می سازند دیگر! گفتیم چند تا کار وجود دارد؟»

زهرآ گفت: «خانم شما گفته بودید هفت هشت ده تا، اما ما گشتیم هفت تا بود. در همین حد می توانم کمک کنم به بحث.»

خانم مروت پور ضمن آرزوی موفقیتی که برای زهرآ کرد، گفت: «بله هفت تا کار هست که جوان ترها، که شما هم جزوشان هستید، باید قرص و محکم جلو ببرید.»

خانم هفت تا دایره کشید و اسم های شان را گذاشت: تلاش علمی؛ اخلاق و معنویت؛ عدالت؛ عزت ملی؛ اقتصاد؛ سبک زندگی؛ استقلال و آزادی. بعد از هر کدام یک خط امتداد داد تا بتواند مطلبی برای هر یک بنویسد.

بعد هم گفت: «بچه ها، اول تلاش علمی. هر کس در هر رشته ای که درس می خواند. چه شما که هنر جو هستید و چه آن ها که در دبیرستان درس می خوانند یا دانشگاه هستند، باید خیلی تلاش کنند تا در همان رشته به دانش و علم بالایی برسند. به خاطر اینکه علم ملت را خیلی قوی می کند. البته این علم باید کاربردی باشد، نه فقط در ذهن ما و روی کاغذ که بعد به درد نخورد! مثالش می دانید



ما بعد از انقلاب اسلامی بود که روی کارهای علمی و تحقیقاتی سرمایه‌گذاری کردیم و به نخبه‌هایمان فرصت دادیم. اما بعضی از کشورهایی که شما می‌گویید، بیش از ۱۵۰ سال است که این کار را شروع کرده‌اند. از طرف دیگر، دشمن ما در زمینه‌های علمی و تحقیقاتی هم ما را تحریم کرده و پیشرفت‌های علمی ما روی پای خودمان و بدون کمک هیچ کشوری بوده است. تازه، کمک که نکرده‌اند، حتی دانشمندان ما را ترور هم کرده‌اند. با همه این شرایط و سختی‌ها، الان کشور ما از نظر سرعت رشد علمی جزو برترین‌های جهان است و جایگاه علمی خیلی خوبی در دنیا داریم که البته باید با تلاش، بهتر هم شود.

در زمینه‌های علمی سطح بالای دنیا مثل فناوری هسته‌ای، فناوری فضایی، فناوری‌های زیستی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و بسیاری از زمینه‌های صنعتی دنیا در حوزه نیروگاهی و ساخت تجهیزات صنعتی، مثل توربین گاز و موارد دیگر، کشور ما پیشرفت کرده است و مورد تحسین دنیا هستیم.

سارا گفت: «جدی می‌گویید خانم؟!»

بله... البته این را هم بگویم که برای بهتر شدن به همت و تلاش نیاز است که دست شما و امثال شماست. هیچ کشوری و هیچ مردمی بدون تلاش موفق نشدند و پیشرفت نکردند. هر موقع خودمان یک گوشه کار را گرفتیم و به اندازه همان جایی که هستیم تلاش کردیم برای پیشرفت کشور، می‌توانیم انتظار داشته باشیم که کشور پیشرفت کند؛ و الا معلوم است که با تنبلی اتفاقی نمی‌افتد.

...ادامه دارد

چیست؟ همین رشته‌های شما که باعث می‌شود با استفاده از آن‌ها چیزی تولید یا خلق کنید یا خدماتی ارائه بدهید و... این علم‌ها به درد مردم و مشکلات جامعه می‌خورند. شما به هر دلیلی به هنرستان آمده‌اید، جای خوبی آمده‌اید. خیلی می‌توانید در این قضیه به کشور کمک کنید. دانش به‌درد بخور و تولید را که هنرجوها خیلی به آن نزدیک هستند، محکم بچسبید. سعی کنید درس‌ها را یاد بگیرید و بر علم خودتان مسلط بشوید تا از علم و مهارتی که به دست آورده‌اید، دست به تولید محصول یا ارائه خدماتی باکیفیت بزنید.»

روشنک که همیشه از هنرستان آمدن پیشیمان بود، گفت: «خانم

یعنی ما که هنرستانی هستیم هم می‌توانیم این کار را بکنیم؟»

خانم گفت: «شما اتفاقاً از خیلی‌ها بیشتر می‌توانید به این موضوع کمک کنید. علمی که شما یاد می‌گیرید، کاربردی است و بعد از هنرستان به راحتی می‌توانید با آن علم و مهارت کارهایی بکنید که کسی نمی‌توانسته است.»

خانم اجازه؟ ما خیلی از بقیه کشورها عقب‌تر هستیم. کشورهای دیگر خیلی پیشرفته‌تر از ما هستند.»

این‌طور نیست بچه‌ها. نه اینکه کشورهای دیگر پیشرفته نیستند، منظورم این نیست که ما در بعضی زمینه‌های علمی عقب‌تر نیستیم. منظورم این است که اگر می‌خواهیم مقایسه کنیم، باید با شرایطی مقایسه کنیم که قیاسمان درست باشد. مثلاً اینکه بقیه کشورها چند سال است در حال سرمایه‌گذاری روی کارهای علمی کشورشان هستند و ما چند سال؟ یا اینکه در بعضی علوم چند کشور دست‌به‌دست هم دادند و مثل یک زنجیره عمل کردند تا به پیشرفت‌های علمی‌شان برسند، اما آیا این اجازه را به ما داده‌اند؟